

شرحی بر روش در مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه

مجید نداف*

گزارش‌های تفصیلی جنگ، مجموعه متون تحقیقاتی جنگ، گزارش‌های رایان، مجموعه گزارش‌های مربوط به عملیات‌های بزرگ، مجموعه گزارش‌های عملیاتی و مجموعه گزارش‌های مربوط به مقاطع زمانی خاص بر اساس مضامین. آثار فوق به شرح زیر تقسیم بندی شدند:

سری الف: آثاری که سطوح کارکردی، اجرایی و حوادث و وقایع جنگ در آن عمده است و جزئیات خط مقدم و پشت جبهه ترسیم گردیده یا لحظات و روزهای حساس نبرد توصیف شده است.

سری ب: آثاری که بازگو کننده سیر جنگ در سطوح عالی سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، استراتژی، مدیریت، تصمیم‌گیری برای انتخاب منطقه عملیاتی و انجام عملیات، هدایت و فرماندهی و نیز حاوی تحلیل‌های سیاسی نظامی درباره جنگ است.

سری ج: آثاری که در آنها موضوعی واحد - آتش، زرهی، حفاظت، فریب، شناسایی، مهندسی، نیروی هوایی و... - به صورت کلی یا در مقطع مشخصی از جنگ مورد بررسی قرار گرفته است.

سری د: گزارش‌های حاوی جداول آماری و اطلاعات دسته‌بندی شده و کمیاب.

سری ه: آثاری که بیشتر برای تقویت بنیه کارشناسی شرکت کنندگان در برخی مجامع و محافل مرتبط با جنگ تهیه شده و حاوی تحلیل، و تبیین و ارزیابی موقعیت خودی و دشمن و جمع‌بندی مقاطع جنگ است. (۱)

با مروری بر آثار فوق و نیز آثاری که مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه تا کنون به چاپ رسانده این جمع‌بندی به دست می‌آید که این مرکز تقریباً از ثلث پایانی جنگ به بعد، با حفظ روند و ساختار

وظیفه خطیر ثبت، ضبط و تدوین وقایع جنگ هشت ساله اگرچه ابتدا با ابزارهای ابتکاری، سنتی و تا حدودی غیر روشی پراکنده و موردی انجام گرفت ولی با گذشت زمان به دلیل ضرورت‌های انقلاب و انگیزه‌های علمی، سازمانی و شخصی به سرعت توسعه و تکامل پیدا کرد و هم‌زمان با تخصصی‌تر و تمایزی شدن به مرور در بین مراکز و سازمان‌های ذیربط تقسیم‌کار کردی به وجود آورد و نهادینه گردید.

یکی از مراکزی که در بین اندیش‌مندان و صاحب‌نظران تاریخ رفته رفته جایز کرد و نتایج تحقیق و آثارش را به طور بطنی در اختیار علاقه‌مندان گذاشت، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه است. انتظار می‌رود روند کار این مرکز با رفع موانع و محدودیت‌های معمول در سازمان‌های نظامی - صد البته با حفظ غنا و رعایت امانت‌داری - تسریع یابد.

این مرکز در مراحل اولیه فعالیت‌های تحقیقاتی خود در سال‌های ۱۳۶۴ - ۱۳۶۰ نسبت به انتشار گزارش‌های توصیفی - تاریخی، تیراژ محدود، دارای طبقه‌بندی و جهت بهره‌برداری داخلی اقدام کرد و نیز چند کتاب تحلیلی و مقاله‌های بی‌نام برای استفاده عموم منتشر نمود. بنا به دلایلی از جمله درون‌گرایی غالب بر مرکز، کمبود نیروی انسانی مجرب و با انگیزه و... دست‌آوردهای این مرحله، نیازها و عطش جامعه را تأمین نکرد و تألیفات آشکار مرکز چندان قابل توجه نبود. در عوض سرمایه‌گذاری و وسیع مرکز در امر گردآوری اطلاعات و اسناد جنگ، دسته‌بندی و گویا کردن منابع جمع‌آوری شده و سپس تنظیم، تدوین، تألیف و ارائه نتایج تحقیقات مذکور در سطح سپاه منشأ برکات زیادی شد و یافته‌های تحقیقات مذکور در قالب عناوین زیر ارائه گردید: مجموعه

* این مقاله با استفاده از منابع مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه و نیز بهره‌گیری از نظرات کارشناسان قدیمی این مرکز که در جزوات، کتب، کارگاه‌های آموزشی منعکس شده، تالیف شده است. نویسنده مقاله سعی کرده است با کاربست روش‌شناسی علمی اطلاعات موجود اما پراکنده درباره موضوع مقاله و بهینه و دسته‌بندی کند. به نظر می‌رسد با عنایت به بضاعت اندک نویسنده امکان تقویت و گسترش مقاله وجود دارد که بی‌تردید از شادان و راهنمایی‌های صاحب‌نظران را طلب می‌کند. در همین جا استاید و علاقه‌مندان به توسعه پژوهش و علم در حوزه دفاع مقدس را دعوت به همکاری می‌نماید. (م.ن)

قبلی اش متدولوژی و گونه‌شناسی خاصی را در انتشارات جدید خود ارائه داد.

این محصولات شامل دسته‌ای از آثار می‌گردد که با تأکید بر متغیر زمان به چاپ رسیده‌اند و دسته‌ای دیگر اطلس‌ها هستند که با تأکید بر متغیر مکان نوشته شده‌اند. اطلس‌ها که در قطع و سطوح مختلف محلی، استانی و ملی به چاپ رسیده‌اند کاملاً متفاوت از سایر محصولات مرکز بوده و از روش‌شناسی خاصی پیروی می‌کنند که پرداختن به آن از حوصله این مقاله خارج است و مقاله‌ای مستقل را می‌طلبد.

روش‌شناسی در مطالعه و تحقیق جنگ ایران و عراق با تأکید بر متغیر زمان در سبک‌ها و قالب‌های مختلفی اجرا و ارائه شده است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

الف- روزشمار نویسی (کورنولوژی)

ب- بررسی‌های تحلیلی

ج- گزارش مستند

تا کنون تحقیق‌های انجام شده بر اساس سه روش مذکور در شکل‌های متفاوت و متنوع برای اهل تحقیق عرضه شده که در نوع خود کم‌نظیر است. اگرچه این آثار تا اندازه‌ای با کندی به بازار کتاب عرضه شدند ولی به سرعت در داخل و خارج از کشور مورد استقبال شیفتگان اهل مطالعه و تحقیق قرار گرفته و گوی میدان را از سایر رقبای نظامی و مراکز تحقیقاتی دیگر ربودند. بر اساس گزارش‌های دوره‌ای و مکتوب این مرکز، در روش دیگر با تکیه عمده بر متغیر زمان در دست مطالعه و پژوهش است که عبارت‌اند از: روش کارنامه نویسی و روش تاریخ شفاهی. روش اول مبتنی بر تشریح و ارائه سیر عملکردیگان‌های رزمی با ذکر فراز و نشیب‌های تاریخی آن می‌باشد که به نظر می‌رسد بعد از پایان جنگ در دستور کار مرکز قرار گرفته و رو به افول نهاده است و روش دوم پس از چند بار فراخوان و برداشتن گام‌های اولیه، در پیچ و خم مشکلات مالی و سازمانی متوقف مانده است. روش پژوهش شفاهی جنگ ایران و عراق شاید از این جهت که فرماندهان و نخبگان دارای اطلاعات اساسی جنگ رفته رفته وارد مرحله کهن‌سالی شده و متأسفانه تعدادی از ایشان گرفتار فراموشی و بیماری‌های صعب‌العلاج مثل

آزایمر گردیده و یا پاره‌ای در آغوش مرگ خفته‌اند، از بقیه روش‌های جاری و متداول فوری‌تر، مهم‌تر و ضروری‌تر است. همچنین از این جهت که هم‌اینک مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه دارای شرایط بسیار مناسب پژوهشی به لحاظ اطلاعات و تجربه فراوان به منظور بهره‌گیری از تکنیک مصاحبه است - و به جرأت می‌توان گفت این امتیاز مرکز در مقایسه با سایر مراکز که احتمالاً نسبت به چالش‌ها، سیر مراحل تصمیم‌گیری و نتایج واقعی و عینی تحولات جنگ از تسلط کم‌تری برخوردارند، امتیاز منحصر به فردی است - بنابر این ضرورت توجه مسئولین مرکز مزبور و فرماندهان اندیش‌مند سپاه را به این امر حیاتی صدچندان می‌نماید.

روش‌شناسی مطالعه در قالب روزشمار جنگ

(کورنولوژی)

طرح مسئله

هر چه از زمان وقوع تحولات و پایان جنگ می‌گذرد و مباحث و چالش‌های اساسی درباره چگونگی آغاز، تداوم و خاتمه آن در سطوح مختلف جامعه و اقشار اجتماع عمق بیش‌تری پیدامی‌کند، ضرورت مطالعه و بررسی‌های جامع پیرامون روزهای سپری شده جنگ افزایش می‌یابد از این رو - به همین دلیل است که - اگرچه نه با سرعت مطلوب - بررسی‌های توجیهی - تبلیغی جای خود را به مطالعات توصیفی، تبیینی و انتقادی می‌سپارد. این گرایش جدید بر اساس نیازهای جامعه تدریجاً پدید آمده و رفته رفته رشد فزاینده‌ای پیدا کرده است، لیکن عطش جامعه و احساس کنجکاوای اهل علم و سیاست نسبت به این موضوع به قدری فراوان است که آنها فعالیت‌های صورت گرفته را کافی و وافی نمی‌پندارند و به منابع دست‌اول و جدی‌تر رغبت بیش‌تری نشان می‌دهند.

از سوی دیگر باید به این مهم توجه کرد که میزان اخبار و اطلاعات فاش شده و منابع جامع‌نگر به قدری کم و ناچیز است که محققان جنگ را جذب و سیراب نمی‌کند. این خلأ و کاستی‌های اجتناب‌ناپذیر سبب شده است که پژوهش‌گران و اندیش‌مندان علاقه‌مند به این حوزه تفکر به هیچ وجه نتوانند برای توضیح و تبیین رخدادهای دفاع مقدس به ارائه تحلیل و نظریه پردازی متناسب با اهمیت پدیده جنگ هشت ساله - همت گمارند. قدر مسلم یکی از

راه‌های مؤثر جهت ترغیب و تقریب اذهان و به وجود آوردن اتفاق نظر بین صاحب نظران و محققین ایجاد تمهیدات لازم و تأمین لوازم مورد نیاز به منظور درک و فهم بیشتر جزئیات تاریخ جنگ ایران و عراق و به تبع آن دست‌یابی به عمق رفتار دو طرف متخاصم و کسب اطلاع و دقت نظر بیشتر از درون رخداد‌های جزئی جنگ است. این سخن به این معنا نیست که در خصوص تاریخ‌نگاری جنگ هیچ کاری صورت نگرفته است، بلکه به این معناست که متناسب با دغدغه و کنجکاوی محققین و نظریه‌پردازان، کتب مرجع و آثار جدی خبری، اطلاعاتی و تحلیلی وجود ندارد. در چنین اوضاع و شرایطی اگر تاریخ‌نگاری هم خود را صرف پاسخ‌گویی به پرسش‌های چالش‌برانگیز امروزی کند - ولو این سئوالات بنا بر اغراض سیاسی، جناحی، باندى، صنفی و غیردلسوزانه بروز یافته باشند - یک‌سره به پاسخ سطحی و موقتی با تاریخ مصرف محدود و نامعتبر می‌انجامد و قاعدتاً پژوهش‌گر اهل حقیقت از این رهگذر طرفی نخواهد بست و چراغ اندیشه، نظریه و دانش آینده، منور و مشعشع نخواهد شد.

در صورتی امکان مطالعه تطبیقی و مقایسه‌ای درباره قسمتی از روند جنگ هشت ساله میسر می‌گردد که مستندات شامل گزارش‌هایی از مجموعه شرایط جنگی و... در دسترس محقق قرار گیرد و اخبار و تحلیل‌هایی در پیش‌روی او گذاشته شود که حداقل در جمع‌بندی و تحلیل‌های قبلی محقق تشکیک و تردید ایجاد نماید و این شک و تردیدهای علمی، منجر به تولید فرضیه‌ها، سئوالات علمی جدید و مطالعه "متدیک" متغیرهای وابسته و مستقل جنگ تحمیلی گردد.

باید گفت برای بسترسازی تاریخ‌نگاری جنگ ایران و عراق سه مانع عمده وجود دارد که به مدد روش روزشمار نویسی (کورونولوژی) می‌توان به قطع و یقین اولی و کمابیش دومی راز سر راه مرتفع کرد؛ ولی تا ایجاد صلح پایدار میان ایران و عراق و عبور از عمر تاریخی نگری، مانع سوم فعلاً استوار خواهد ماند:

مانع اول: "کثرت و تنوع داده‌های مربوط به روزها و حتی ساعت‌های پر از حادثه، موضع‌گیری، تحول و درگیری در جنگ است که منابع مختلف آنها را به نحوی متفاوت و متناقض گزارش

کرده‌اند." (۲) در صورتی که مشکل طبقه‌بندی بودن اطلاعات با عنایت به گذشت مدت نسبتاً طولانی از آغاز و پایان جنگ و بارعایت مصالح امنیتی قابل رفع باشد، با توجه به کثرت و تنوع آنها امکان ارائه اطلاعات گزارش شده توسط منابع مختلف وجود ندارد و دیگر اینکه "گزینش آنها مشکل تناقض بی‌طرفی و ارزش‌ها را پدید می‌آورد." (۳) البته برخلاف روش تحقیق در علوم دقیقه و طبیعی، در روش علوم غیر تجربی - علوم انسانی - این پیش‌فرض قطعی انگاشته شده که محقق به هیچ وجه نمی‌تواند بی‌طرفی و تأثیر‌گذاری ناشی از پندارها و باورهای برگرفته از خانواده، محیط و جامعه خود را در جریان بررسی و موضوع تحقیق به صفر برساند، ولی به کمک استانداردهای متعارف و مرسوم در روش تحقیق علوم انسانی حتی المقدور این نقیصه برطرف خواهد شد و یا به حداقل کاهش خواهد یافت. در چنین مواقع و فرازهایی از یک طرف ارزش‌های مورد نظر محقق و نویسنده روزشمار جنگ با صراحت و صادقانه بیان شده و حتی تأکید و تبلیغ می‌شود و از جانب دیگر مطالب به گونه‌ای از منابع متعدد گزینش و ارائه می‌شود که خواننده در چارچوب نگرش محقق محدود نشود.

محقق می‌کوشد بین وضعیتی که ارائه انبوه بی‌حساب داده‌ها باعث پس زدن ذهن خواننده می‌شود و وضعیتی که در آن خواننده صرفاً با گزینش فشرده روبرو است، تعادلی ایجاد کند. مجموعه‌ای از اخبار که از نظر بعضی مهم و از نظر بعضی دیگر غیر مهم است در ترکیب با یکدیگر به نحوی قرار داده می‌شوند که هم از ارائه اخبار به شکل فراوان، پراکنده و ملال‌آور پرهیز شود و هم حتی المقدور از حذف اخبار به دلیل غیر مهم به نظر رسیدن خودداری گردد. حداکثر تلاش و تعهد نویسنده روزشمار فقط به اتفاقی است که رخ داده و به میزانی که اصل امانت‌داری رعایت شود تقریر می‌کند." (۴)

مانع دوم: استفاده از واژه "دفاع مقدس" به جای "جنگ" هاله‌ای از ممنوعیت‌ها را به نظر می‌آورد که برای هر تحقیق عینی و علمی آسیب‌پذیر است و سبب می‌شود "نظامی از نشانگان خاص و یکه‌بر تاریخ جنگ مسلط شود که برای هر واژه (از جمله جنگ) بیش از یک معنا (تقدس و دفاع) قائل نیست و به جای برانگیختن بیش‌ترین معناها (به مدد افزون‌سازی روابط دال و مدلولی) کم‌ترین معنا را

باید به این مهم توجه کرد که میزان اخبار و اطلاعات فاش شده و منابع جامع نگر به قدری کم و ناچیز است که محققان جنگ را جذب و سیراب نمی کند. این خلأ و کاستی های اجتناب ناپذیر سبب شده است که پژوهش گران و اندیش مندان علاقه مند به این حوزه تفکر به هیچ وجه نتوانند برای توضیح و تبیین رخدادهای دفاع مقدس به ارائه تحلیل و نظریه پردازی متناسب با اهمیت پدیده جنگ هشت ساله - همت گمارند.

برمی انگیزد تا افراد را به سمت نوع خاصی از قضاوت و پیش داوری سوق دهد.^(۵)

”کاربرد واژه دفاع به جای جنگ و اتصاف آن به صفت دفاع مقدس بیان گر این است که هنگام صحبت درباره این جنگ، حق نداریم از حد حماسه و بیروزی پایین تر بیاییم.“^(۶)

در حال حاضر حداقل این مانع به کمک روش روزشمار تسهیل گردیده است:

مانع سوم: بر اساس پاره ای نقطه نظرات اگر جوهر جنگ، سطح نظامی آن است در این سطح همه آنچه که مربوط به هر عملیات نظامی است، ثبت و ضبط شده و من جمله مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه تاریخ نگاری جنگ را - حتی در زمان وقوع حوادث - آغاز کرده و در حال حاضر نیز سرگرم انجام آن است.^(۷) اما در برابر این نظریه، باز خوانی جنگ به قصد ایجاد ارتباط دقیق و تنگاتنگ بین تاریخ و جنگ امکان پذیر نیست زیرا برای تاریخی شدن جنگ شرایطی متصور است که هنوز آن شرایط و متعاقب آن، امکان تاریخ نگاری کامل و بی کم و کاست تحقق نیافته است. حتی این عده اخیر معتقدند ”هنوز نگارش تاریخ دوره پهلوی نیز بنابر ملاحظات ممکن نیست چون هنوز از آن دوره فاصله نگرفته ایم و نمی توانیم بدون هیچ محدودیت و معذوریتی همه چیز را ببینیم. بنابراین در حال حاضر هر چه در راستای تاریخ نگاری جنگ تلاش صورت بگیرد در برگیرنده مسائل ظاهری جنگ است تا کنه آن“^(۸)

روش روزشمار حکم مقدمات تاریخ نگاری جنگ را دارد نه تاریخ نگاری به معنای اخص آن، زیرا در شرایط فعلی عرضه برخی اطلاعات ممکن است ما را در مذاکرات احتمالی آینده خلع سلاح کند لذا هنوز ناچار از رعایت برخی ملاحظات هستیم.^(۹)

اهداف

در دسترس قرار دادن یک کتاب مرجع تحقیقاتی در مورد جنگ ایران و عراق به مثابه راهنمای دست یابی به منابعی است که دیگر قابل محو شدن نیستند.

هدف روزشمار صرفاً گردآوری مجموعه ای از مدارک نیست بلکه این مدارک با توجه به حضور مستقیم گردآوردگان آنها در صحنه و احساس تعهدی که در پایه گذاری ابتدایی این کار داشته اند طوری با هم ارتباط یافته اند که مورخان را به مطالعه و تحقیقی صحیح و شایسته هدایت می کنند. هدف روزشمار فراتر از منبع سازی است و در عین حال که به سئوالات تحقیق پاسخ می دهد مورخان را به تاریخ نویسی بدون تحریف، گزافه گویی و اغراق تشویق و ترغیب می کند.

هدف روزشمار جنگ، توصیف روز واقعه است به طوری که محقق و نویسنده برای تدوین گزارش های روزانه با بهره گیری از مستندات محکم، متقن و متعدد به تولید خبر می پردازد و سعی می کند بین اخبار و مطالب مختلف ارتباط منطقی و جذاب برقرار سازد. خواننده روزشمار در همان مرور اولیه در خواهد یافت که ”واحدهای تشکیل دهنده ساختار روزشمار شبه مقاله هایی هستند که هر یک حاوی مجموعه ای از اخبار مرتبط با یکدیگرند“^(۱۰) و چون با چاشنی تحلیل نویسنده همراهند به هیچ عنوان صرفاً با سلسله اخباری مونتاز شده روبه رو نیست؛ زیرا بخش عمده آن متن خام منابع اختصاصی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه است و خواننده ژرف اندیش به راحتی می تواند جمع بندی و تحلیل مرکز را از متن خبرها تفکیک کند و از نظرات کارشناسانه مرکز مزبور سود جوید.

از اهداف مهم دیگر روزشمار بازگویی حقایق و واقعیات جنگ است که ”با رعایت امانت داری، خواننده امروزی را در فضای روزهای جنگ قرار می دهد و خود فارغ البال از مقتضیات امروزی

و مناسبات جاری قدرت همان دغدغه‌ها، خوشی‌ها، غم‌ها، انگیزه‌ها و ضدانگیزه‌های زمان جنگ را بازگو می‌کند.^(۱۱)

هدف دیگری که به ویژه علاقه‌مندان آثار مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه بایستی بدان توجه داشته باشند در اختیار گذاردن ابزار و مواد لازم تحقیق و پژوهش برای افراد محقق است که با طرح مسئله‌ای روشن و موضوع تحقیقی مستقل، به این کتاب مرجع مراجعه می‌نمایند و کاربران غیر حرفه‌ای و احیاناً تفننی شاید از آن بهره‌دل چسبی نبرند.

پرسش‌آغازین

اگرچه پژوهش‌گری که به سراغ روزشمار جنگ می‌آید تا اخبار و تحلیل‌های مورد نیازش را پیدا نماید در ذهن و روش شناسی خود سئوالات اصلی و فرعی متعددی را تعریف و تحدید کرده است، اما در روش شناسی روزشمار جنگ سئوال و سئوالات عمدتاً معطوف به چگونگی رخدادهای جزئی جنگ است نه چراها. چراها را باید در سایر کتب و متون تحقیقاتی مرکز جست‌وجو کرد. نویسنده روزشمار در پی پاسخ هرچه دقیق‌تر، جامع‌تر و همه‌جانبه‌تر به این پرسش است که جنگ چگونه شروع شد؟ تداوم یافت و پایان گرفت؟ در واقع طراحان اصلی روزشمار جنگ چنین برنامهریزی کرده‌اند که پاسخ‌های هر چه جامع‌تر و دقیق‌تر به سئوالات مربوط به چگونگی جنگ ارائه شده و از پاسخ‌گویی مستقیم به سئوالات مربوط به چراها پرهیز شود.

مفروضات اساسی

روزشمار جنگ از آن جهت که اثری تألیفی و تحقیقی است لاجرم می‌بایست در دستگاه نظری خود بر اساس متدهای تحقیق پوزیتیویستی - اثبات‌گرایی - فرضیه‌ها و یا مفروضاتی را استوار نماید؛ ولی مهم‌تر از فرضیه و یا مفروض‌سازی، وظیفه‌خاطر و موثر مجموعه روزشمار جنگ در آزمون‌های موردی دیگر، تقویت و زمینه‌یابی فرضیه‌های مختلف است. این روش تحقیق **اگرچه فاقد فرضیه‌های مشخص است ولی فی‌نفسه موجد و منشأ تولید فرضیه‌هایی است^(۱۲)** که در ساختار و روش مطالعات موضوعی و ابعادی لازم‌الاجراست. همان‌گونه که ذکر شد مخاطبین و کاربران روزشمار، محققینی هستند که با طرح مسئله و تعریف موضوع

مشخصی به این اثر مرجع رجوع می‌نمایند. آنها یا به منظور زمینه‌یابی برای اثبات و رد فرضیه‌های خود و یا به جهت یافتن متغیرها و شاخص‌های مورد نیاز فرضیه تحقیق به روزشمار مراجعه می‌کنند. با توجه به ادبیات خاص تحقیق **در روزشمار جنگ سه مفروض اساسی زیر را می‌توان در سرتاسر این پروژه بزرگ مورد مذاقه قرار داد:**

مفروض اول، ناظر بر پدیده انقلابی بودن طول دوران موضوع مورد مطالعه است که این ویژگی قواعد و روش‌های ذاتی مربوط به خود را دارد^(۱۳) و با توجه به نظریه پیوستگی انقلاب و جنگ این فهم و درک اساسی را به خواننده خود منتقل می‌کند که در جریان بررسی جزئیات رخدادها و تحولات جنگ، این پدیده با تمام مختصات و ویژگی‌هایش جاری و ساری است.

مفروض دوم، ناظر بر شأن اسلامی کنش‌گران جامعه است که مبتنی بر قرائت خاص امام خمینی (ره) از اسلام و تحت عنوان اسلام ناب محمدی (ص) ارائه شده است. بنابراین مصادیق و نشانه‌های رفتاری این نوع قرائت از اسلام در طول دوران موضوع مورد مطالعه مشاهده خواهد شد که بیانگر وجه تمایز آن با سایر قرائت‌های موجود (اسلام امریکایی بن‌لادن و...) از اسلام می‌باشد.

مفروض سوم، ناظر بر این واقعیت است که بررسی جزئیات دوران جنگ در سرزمین مشخص با مرزهای قانونی، منافع ملی و جغرافیای محدود به نام ایران رخ داده است.^(۱۴)

مبانی نظری

از آنجاکه موضوع و مضمون روزشمار جنگ دارای جوهره‌ای نظامی می‌باشد ناگزیر محقق به این سمت و سوره‌نمون می‌شود که از مدل‌های چند وجهی مشابه مدل چهارگانه پارسونزی و... فاصله

هدف روزشمار جنگ، توصیف روز واقعه است به طوری که محقق و نویسنده برای تدوین گزارش‌های روزانه با بهره‌گیری از مستندات محکم، متنق و متعدد به تولید خبر می‌پردازد و سعی می‌کند بین اخبار و مطالب مختلف ارتباط منطقی و جذاب برقرار سازد

فرماندهی، نیروی انسانی، کشورهای غیرمتعهد، سازمان ملل، مشروعیت، بسیج امکانات و ...

۲ مطالعه باتکیه اساسی متغیر بر زمان و مقاطع و دوره‌های زمانی خاص که خواننده را از مقطعی به مقطع دیگر در جنگ منتقل کند. در روز شمار از یک سو مجموعه‌ای از داده‌های مربوط به زنجیره علی حوادث گزینش و به نحوی موضوعات مختلف جنگ به صورت جداگانه تنظیم می‌شوند از سوی دیگر مجموعه‌ای از این موضوعات، هر روز جنگ را منطقی و معنی دار می‌کنند. به همین ترتیب روزهای متمادی جنگ در پی هم می‌آیند و مراحل و دوره‌های خاصی را شکل می‌دهند. خواننده روز شمار خواه صرفاً مبتنی بر بررسی موضوعی، روند جنگ را دنبال نماید و خواه همپای تهیه‌کنندگان آن هر روز جنگ را تعقیب کند، سرانجام خواهد توانست پس از مرور و بررسی موضوعات مختلف، روز را به پایان ببرد. (۱۶)

همان گونه که گفته شد سطح تحلیل در روز شمار، سیاسی و نظامی است. در سطح تحلیل سیاسی سطوح فرعی تر شامل: سطح تحلیل نخبگان سیاسی دو طرف متخاصم، سطح تحلیل ملی، سطح تحلیل منطقه‌ای، سطح تحلیل بین‌المللی و در سطح تحلیل نظامی سطوح فرعی تر شامل: سطح تصمیم‌گیری‌های کلان و استراتژیک، سطح مدیریت، پشتیبانی و بسیج امکانات و نیروی انسانی، سطح لجستیک و تجهیزات، سطح فرماندهی و سطح برنامه‌ریزی - طرح مانور، هدایت عملیات و ... - تعریف شده است. (۱۷)

با توجه به سطوح تحلیلی یاد شده مجموعه‌ای تحلیلی، توصیفی و مستند از مقاطع جنگ ارائه می‌شود تا خواننده متناسب با نیازهای تحقیقاتی خویش، مهم‌ترین حوادث سیاسی و حتی در حاشیه آنها مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مرتبط با جنگ را مورد مطالعه قرار دهد. سرنخ‌های متغیرهای سه‌گانه اخیر که صدر صدر از جنس سیاسی یا نظامی نیستند در درون سطوح فرعی تحلیل و لابلای اخبار و تفسیرهای روز شمار بازتاب پیدا می‌کنند. - نوع تحقیق روز شمار، بنیادی است که به روش توصیفی - تحلیلی و از طریق مطالعه میدانی و کتابخانه‌ای با مراجعه به اسناد و

منابع اختصاصی اولیه و اسناد و منابع عمومی ثانویه به اجرا درمی‌آید. منابع اختصاصی اولیه همان داده‌ها و تحقیقات مستقیم و میدانی راویان مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه است که زمان پیروزی هاو شکست‌های جنگ با زحمت و وسواس فراوان تولید شده‌اند.

این ویژگی از عمده‌ترین جنبه‌های پیچیده تحقیقات جنگ است. اغلب داده‌های مورد نیاز محقق درباره جنگ‌ها به سهولت در دسترس نیست. در هنگام نبرد اصل بر کتمان اطلاعات است. بعد از هر اقدام نظامی نیز قطعاً جنبه‌های خاصی از اتفاقات، درشت‌تر و درخشان‌تر ارائه خواهند شد و جنبه‌هایی از آن کم‌رنگ و مسکوت خواهند ماند. معمولاً در شکست‌ها همه خود را بی‌تقصیر و در پیروزی‌ها خود را شریک می‌دانند.

اینجاست که حضور مستقیم در صحنه‌های تصمیم‌گیری، ضرورت و ارزش تحقیقاتی بسیار والای خود را نشان می‌دهد. این گونه تحقیقات میدانی حتی اگر برخی حوادث بسیار حساس در یک جنگ را به تمام و کمال بازگو نکند دست کم مانع مفقود شدن سرنخ و سرنخ‌هایی خواهد شد که چه بسا در آینده بیان خواهند شد. (۱۸) مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه به دلیل فرصت و موقعیت ویژه تحقیقاتی خویش در زمینه تهیه این منابع اختصاصی اولیه توفیق فراوانی داشته است. سی هزار ساعت نوار صوتی، انبوه دفاتر مشاهده‌نویسی و یادداشت راویان، تعداد کثیری گزارش‌های مستند، نقشه‌ها و کالک‌های عملیاتی، دستورالعمل‌ها، بخشنامه‌ها و گزارش‌های داخلی سپاه و دیگر نیروهای مسلح دست‌مایه اصلی نویسنده و مجری تحقیق روز شمار جنگ است. با توجه به استفاده از منابع مذکور می‌توان گفت "روز شمار جنگ، یادداشت‌های روزانه‌ای است که نه فقط توسط یک محقق نویسنده و مجری نهایی - بلکه توسط ده‌ها محقق در هنگام وقوع حوادث نوشته شده‌اند. ناگفته پیداست پیوند برقرار کردن بین این دسته از منابع عمومی ثانویه شامل: روزنامه‌های یومیه، کتب، نشریات، بولتن‌ها و گزارش‌های داخلی و خارجی به مهارت هر یک از نویسندگان جنگ‌نامه‌های بیست‌گانه ارتباط دارد. نویسندگان سعی می‌کنند از تکنیک‌های جدیدتری پیروی کنند، تکنیکی که سبب می‌شود نقل

وقایع، مطالب و اخبار نمایان گر حال و هوای آن روزها باشد نه امروز؛ و بدون توجه به تحول مفاهیم افراد را با همان عناوین و القاب نام ببرد و لحن گفتار، نوع برخورد، شیوه‌های تصمیم‌گیری، آرمان‌ها و ایده‌ال‌های خاص آن روزها را ارائه دهد تا جایی که چه بسا با مقتضیات و شرایط امروز کاملاً متفاوت و متناقض درآید. (۱۹)

نظر به اهمیت تکنیک‌های خاص استفاده شده در تحقیقات روزشمار در زیر جمع بندی آن چه در کارگاه آموزشی توسط استاد ارجمند آقای هادی نخعی شرح داده شده درج می شود:

«در این فرآیند یازده گام اجرایی و عملی تعریف و پیش بینی شده است که ضمن حفظ آزادی عمل، ابتکار و خلاقیت نویسندگان روزشمار کمک به سزایی، به آنها در هدایت پروژه عظیم مطالعاتی شان می کند:

گام اول: مطالعه، بررسی و تعیین دوره زمانی مورد مطالعه متناسب با علاقه، دانش تجربی و تخصص علمی محقق می باشد که بر حسب شیوه متعارف از سوی شورای عالی هدایت طرح های روزشمار جنگ صورت می پذیرد.

گام دوم: مطالعه و بررسی اولیه و کلی دوره زمانی مورد مطالعه توسط محقق است به منظور آشنایی با نکات اصلی و فرعی، اهم مطالب و نقاط عطف دوره برای احراز آمادگی و ارائه کنفرانس پیش دفاع.

گام سوم: بررسی منابع و مأخذ های موجود و انتخاب نهایی و تهیه فهرستی از آنهاست. این گام و گام قبلی در اصطلاح به «محک زنی» یا «Benchmarking» معروف است.

گام چهارم: گزینش داده ها توسط محقق و فیش برداری به کمک دستیاران طبق ضوابط مشخص و استاندارد است به طوری که در متن فیش ها موارد زیر قید شده باشد: نقل مستقیم یا غیر مستقیم،

اگر چه پژوهش گری که به سراغ روزشمار جنگ می آید تا اخبار و تحلیل های مورد نیازش را پیدا نماید در ذهن و روش شناسی خود سئوالات اصلی و فرعی متعددی را تعریف و تحدید کرده است، اما در روش شناسی روزشمار جنگ سئوال و سئوالات عمدتاً معطوف به چگونگی رخداد های جزئی جنگ است نه چراها. چراها را باید در سایر کتب و متون تحقیقاتی مرکز جست و جو کرد.

تاریخ واقعه، تاریخ افشا و اعلام خبر، تاریخ نشر، خلاصه بودن یا کامل بودن، ذکر ملاحظه نویسنده و ...

گام پنجم: استخراج و مرتب کردن فیش ها بر اساس واحد تحلیل یعنی روز تقویمی است. حداکثر تلاش محقق بر این متمرکز می شود که مشخصات فیش تکمیل شود ولی در صورتی

که موضوع مهمی بدون تعیین روز واقعه درج شده باشد، در فهرست بندی و ساختار روزشمار، زیر عناوینی پیش بینی شده شامل کلیات، تحلیل هفته، ماه و یا کل دوره ارائه می شود. این فیش ها در زیر عناوین مذکور مورد استفاده قرار می گیرند.

گام ششم: تفکیک فیش های یک روز تقویمی بر اساس موضوعات و محورهای تعیین شده است مثل: جنگ شهرها، بمباران مراکز اقتصادی، عملیات زمینی، جنگ نفت کش ها و درگیری های سیاسی و جناحی جریان های داخلی. در این دسته بندی و تفکیک فیش ها دو دسته از موضوعات مورد ملاحظه قرار می گیرند: موضوعات مشترک و اختصاصی.

گام هفتم: تجزیه موضوعات مشترک و اختصاصی است به تعدادی عنوان و گزارش از یک تا m محقق پس از طی مرحله تطبیق، با انعطاف نسبی و بدون اینکه به این گزارش های نانوشته قالب و حجم قطعی بدهد و با توجه به قوت و ضعف گزارش ها، فیش ها را جابه جامی کند.

گام هشتم: محقق با اتکا به خلاقیت ذهنی خود از طریق حذف، ترکیب، جابه جایی و تعویق، گزارش های نانوشته را بر اساس روزهای تقویمی و اینکه چه نظم و روندی برای یک روز مناسب تر است، مرتب می کند.

گام نهم: نوشتن گزارش ها با انعطاف و اصلاحات مجدد از طریق حذف، ترکیب، جابه جایی و تعویق آغاز می شود در این گام که از مهم ترین مراحل تحقیق به شمار می رود محقق حداکثر تلاش

خود را صرف می کند تا شبهه مقاله ای تهیه شود که اولین خواننده اش خود محقق است. محقق برای انتقال هر چه سریع تر پیام و مفاهیم مندرج در گزارش به لیدگذاری آن می پردازد. در واقع لید ناظر بر چگونگی و نحوه شروع گزارش است و سپس در ادامه با دقت در ارتباط منطقی و اتصال معنی دار اخبار بعدی به دیگر گزارش ها، شبهه مقاله ای تدوین می شود.

لید به عنوان نحوه و شکل آغاز گزارش و در تقدم قرار دادن خبری از میان اخبار و تحلیل های مرتبط با یکدیگر است و مجموعه شبهه مقاله را صورت بندی می کند. لید در این گام مهم به صورت غیر مستقیم به خواننده کمک می کند که اخبار را اولویت بندی کند و سوتیترهای اصلی را در صدر مهم ترین اخبار و در اولویت مورد مطالعه قرار دهد.

برخی از مهم ترین انواع لید عبارت اند از:

۱- لید با یادآوری یک مناسبت، شأن یک واقعه، سابقه و زمینه آن را یادآوری می کند: مثلاً امروز در بی وقوع یک انفجار در فلان شهر فرماندار سخن رانی تهدیدآمیزی ایراد کرد.

۲- لید به عنوان توصیف صحنه وقوع: مثلاً در بی شدت گرفتن جنگ شهرها که به آوارگی هزاران نفر از مردم فلان شهر انجامید، امروز فلانی این کار را کرد.

۳- لید به عنوان جمع بندی چند خبر مهم: مثلاً مطبوعات انگلیس امروز عمدتاً به فلان یا فلان جهت گیری پرداختند.

۴- لید به عنوان فهرست وقایع مهم: مثلاً به دنبال انجام کمین در پیرانشهر، انفجار در سنندج و چند مورد ترور در شهر سردشت و... امروز فلان اتفاق در کردستان رخ داد.

۵- لید به عنوان وجه مشترک اخبار: مثلاً وجه مشترک موضع گیری های مسئولان نظام در مورد یک موضوع خاص.

۶- لید به عنوان نقل مأخذ و منبع خاص به منظور اینکه نویسنده نمی خواهد مسئولیت خبر را به عهده بگیرد: مثلاً امروز فلان روزنامه نوشت که ...

۷- لید به عنوان ساعت دقیق یک واقعه: مثلاً ساعت ۱۶:۳۰ امروز توسط مردم فلان شهر راه پیمایی برپا شد و هم زمان - در ساعت ۱۶:۳۰ - شورای تأمین استان تشکیل جلسه داد و تصمیماتی اتخاذ

کرد.

۸- لید به عنوان ذکر عمده ترین اخبار و گزارش های هم طراز در داخل یک مجموعه خبری جدید که به دست نویسنده تولید می شود نه مونتاژ.

۹- لید به عنوان ربط علی بین چند خبر غیر هم طراز - به لحاظ اهمیت خبر -

۱۰- لید در گزارش به کار نرود و فقط متن یک خبر نوشته شود. در این گام مهم رعایت چند ملاحظه و اعمال آنها در متن گزارش های شبهه مقاله فوق الذکر به خواننده کمک می کند که بدون وقفه سلسله اخبار و تحلیل های مهم مربوط به یک روز را تعقیب نماید:

- توضیح نکته هایی که نمی توان آنها را نادیده گرفت ولی درج آنها از حوصله متن خارج است به پاورقی منتقل می شوند.

- سابقه یک خبر به اندازه ای مطول، مفصل و البته نسبتاً مهم است که نه در متن پاورقی بلکه به عنوان ضمیمه به انتهای صفحات و مقالات مربوط به یک روز جا به جا می شود.

- در جریان نگارش اخبار و وقایع نویسنده سعی می کند ضمن پرهیز جدی از نگاه به آینده، فقط به توصیف روز واقعه بپردازد.

گام دهم: کل کتاب و روز شمار نوشته شده مجدداً مرور شود تا انسجام و یک پارچگی آن بیشتر شود و متن از تکرار اطنا و تناقض مصون بماند.

گام یازدهم: پس از تسلط یافتن نویسنده به کل کتاب و اطلاع از محتوای آن، مقدمه کتاب به عنوان یک مقاله مستقل و تلخیصی از وقایع روزهای ارائه شده نوشته می شود.

لازم به توضیح است که به تازگی دست اندرکاران روز شمار علاوه بر مقدمه، چکیده ای را نیز به انتهای کتاب اضافه کرده اند، در نتیجه تمام جمع بندی ها و خلاصه نویسی هایی که قبلاً در مقدمه گنجانیده می شد به این بخش منتقل شده است.

در گام نهمی دستیاران تحقیق طبق نظر و راهنمایی های نویسنده نسبت به تهیه عکس، نقشه، ضمائم اختصاصی و فهرست اعلام اقدام می کنند. (۲۰)

ب- روش شناسی در قالب بررسی های تحلیلی

طرح مسئله

پس از تغییر و تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ای که پس از خاتمه جنگ با ارائه خط مشی های توسعه ای و مقتضیات جدید رخ داد، چالش هایی بین جریانات و دستجات سیاسی در بدو حرکت توسعه سیاسی با محمل جنگ به وجود آمد و به خصوص در عرصه فعالیت های رسانه ای و ارتباط جمعی انبوهی از سئوالات شالوده شکنانه حول محور تاریخ دفاع مقدس مطرح شد. این سئوالات و ابهامات، اذهان جلو برندگان و پدیدآورندگان حماسه های جنگ، توده ها و اقشار آسیب دیده از جنگ و تصمیم گیران و نخبگان سیاسی رقیب را به خود مشغول کرد و همچنین به دلیل دیگر عوامل عینی، واقعی و ضرورت های اجتناب ناپذیر، بحث جنگ، کاربردی روزآمد پیدا کرد و توأمان از یک سو دستاویز مجادلات بین اصحاب قدرت و از سوی دیگر دست مایه مطالبات جدیدتری قرار گرفت، به طوری که بیم آن می رفت در لایه لای رفتار تاریخی گری افراد بالای هرم سیاسی و جویندگان قدرت در بخش میانی این هرم، حقایق و واقعیت های جنگ مخدوش شود و در این رهگذر بیش از هر کس و هر جریان و تشکلی، حقانیت و اعتبار حضرت امام در فرآیند معامله و قمار سیاسی، خیلی ارزان و جفاکارانه به فروش رسد. این روش و گفتمان انتقادی به وجود آمده دارای یک مزیت نسبی بود و آن اینکه در عرصه مطالعات و پژوهش های حوزه دفاع مقدس، تاریخی گری جایش را به تاریخی نگری سپرد و محققین، نویسندگان و علاقه مندان به این

حوزه مطالعاتی به جای اینکه با نقدهای ژورنالیستی و عوام گرایانه این رخداد عظیم، پیچیده و حساس گذشته تاریخ جنگ را به فضای امروز منتقل و آن را صرفاً با ملاحظات جاری قدرت و مطابق منافع سیاسی و گروهی روز تجزیه و تحلیل کنند، خودشان را در مجموعه شرایط زمانی و مکانی آن دوران قرار دهند و آن گاه به مثابه محقق و کاربری صادق و امین در جایگاه داوری جلوس نمایند و نسبت به بررسی جامع و جدی تر مباحث مختلف جنگ اقدام کنند.

تمایلات و گرایش های جدید تحت تأثیر سایر عوامل نوظهور در جامعه بعد از جنگ - از جنس متغیرهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی از جمله متغیرهای تفاوت یا شکاف نسلی و ... - موجبات شکل گیری ادبیاتی جدید در تحقیقات جنگ و با کمی مسامحه ایجاد گفتمانی متفاوت از زمان جنگ و مدت کمی پس از جنگ گردید. هنوز پرسش های اساسی - جدا از حب و بغض های درون جریانات فکری - وجود داشت که پاسخ مستدل، علمی و محققانه به آنها داده نشده بود. در این گفتمان جدید حتی رزمندگان و دوست داران آرمان های دفاع مقدس زبان جزمی، آمرانه و شعاری خویش را تغییر دادند و با لحن و گفتاری عقلانی و غیر فیزیکی صحبت کردند. آنها به این نکته مهم پی بردند که مگر در دوران دفاع مقدس، رقابت و مجادله های سیاسی چه اهمیت و جایگاهی در پیشبرد روند تحولات جنگ داشته اند که در حال حاضر آنها مجبور باشند همه ارزش های آن دوران را در گرو سیاست زدگی غیر حرفه ای و زودگذر خرج کنند.

در این گفتمان رویکردهای جدیدی پا به عرصه تاریخ نگاری جنگ گذاشتند که برخلاف رویکردهای قبلی این رویکردها بانگاه غیر بدبینانه و پرهیز از دفاع مطلق، مطالعات در این زمینه را انجام دادند اگر چه بر مبنای آثار منتشر شده، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه هیچگاه در گذشته دچار آفت های مذکور نشده بود لیکن در دوره جدید به این گفتمان انتقادی و بعد عقلانی جنگ توجه بیش تری نشان داد. شاید بتوان گفت که این مرکز در این دوره به عنوان پرچم دار تحقیقات بنیادی، عمیق و جدی در میان اهل فکر و اندیشه ظهور یافت و هم اکنون نیز تلاش می کند با عنایت به شناخت ضعف ها و اشکالات روشی آثار گذشته خود، نسبت به جبران و به

بررسی و مطالعه پدیده جنگ فقط به

تاریخ نگاری صحنه های نبرد محدود نمی شود

حتی اگر اصالت و شدت تأثیرات آن، ابعاد

دیگری را زیر سیطره بگیرد و تحت پوشش

قرار دهد بدیهی است متغیر وابسته جنگ

تحت تأثیر متغیرهای مستقل فراوان دیگری

است که شناخت و مطالعه آنها برای مطالعه و

نگاه جامع ضروری است. مسلماً بررسی آن نیز

صرفاً از دریچه تنگ نظامی ابتر خواهد بود.

حداقل رساندن آنها در آثار جدید نماید و به طور خاص با بهره‌گیری از روش بررسی‌های تحلیلی همچنان بدون شعارزدگی و سطحی‌نگری به پرسش‌ها و نیازهای موردی و موضوعی در حوزه پژوهش‌های دفاع مقدس پاسخ درخور و شایسته یک مؤسسه تحقیقاتی بدهد.

اهداف و سؤالات تحقیق

در این روش متناسب با جوانی از جنگ، اهداف و سؤالات تحقیق از نوع چرا و چگونه خواهد بود و محقق با عنایت به مقتضیات کنونی و شرایط بعد از جنگ می‌کوشد به صورت عمیق‌تر به شفاف‌سازی و طرح‌ناگفته‌های جنگ بپردازد. در واقع در این روش برخلاف روش روز شمارنویسی، هدف تحقیق عمدتاً بر تشریح علل و چراهای وقایع مهم جنگ ایران و عراق استوار است و در گذشته و چگونگی‌ها متوقف نمی‌شود و برای پاسخ به پرسش‌های اساسی مطروحه در جامعه امروز و احتجاجات صاحب‌نظران و نخبگان سیاسی به نحو خاص و با رعایت اصل صداقت و امانت‌داری، گذشته را به آینده متصل می‌کند. **اگر هشت سال مقاومت مردم ایران ظاهری و باطنی داشته باشد به وجه اخیر که تجلی‌گاه ظهور عقلانی و اندیشه‌ای جنگ است تأمل بیش‌تری می‌شود. هدف اساسی در این روش با تکیه بر ضرورت شناخت باطن جنگ به عنوان یک پدیده و اتفاق تاریخی قبل از اینکه مخدوش و تحریف شود ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است** (۲۱) که از طریق مطالعات ابعادی - شناختی و تحلیلی به دست خواهد آمد و اگر مباحث جنگ جزئیات و کلیاتی را شامل می‌شود کمتر به جزئیات و توصیف چگونگی آن می‌پردازد.

در این روش طرح سؤالات به گونه‌ای صورت می‌گیرد که به پژوهش‌گر کمک می‌کند سؤالات و ابهامات جنگ را به درستی اصلی و فرعی نماید و بدون تأثیر از روش‌های عملیات روانی و ژورنالیسم سیاسی در راستای شناخت عینی و بررسی جامع‌تر موضوعات مربوط به جنگ ایران و عراق به روش صحیح، اصولی و غیرانفعالی اقدام به مسئله‌یابی و طرح سؤال علمی کند. آثاری از نوع تحقیق مذکور مخاطب را با زبان و آموزه‌های خاصی آشنا می‌کند و حتی المقدور به او القا می‌کند که بعد از جنگ چگونه باید آن را

مطالعه کرد و در پروژه‌های مطالعاتی دفاع مقدس بخشی از ابزار و وسایل تحقیق را در اختیار او می‌گذارد.

مبانی و ملاحظات نظری

در این روش جنگ ایران و عراق در چارچوب نظریه به هم پیوستگی جنگ و انقلاب مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد و با تأکید بر این نظریه، ساختار مطالعاتی در قالب مثالی با سه ضلع انقلاب، جنگ و جامعه تعریف می‌گردد. **در میان نظریه پردازان کلاسیک جنگ تا حدودی نظریه کلاوزویتس به این نظریه نزدیک است با این تفاوت که او به هم پیوستگی جنگ و سیاست را اساس نظریه خود بر شمرده و سیاست را جنگی بدون خون‌ریزی و جنگ را سیاستی توأم با خون‌ریزی تعریف می‌کند.** (۲۲) در این روش از جهاتی نظریه پیوستگی جنگ و سیاست قابل توضیح نیست زیرا جنگ ایران و عراق پدیده‌ای است در درون انقلاب اسلامی که ارزش‌ها و شعارهای انقلاب در آن متجلی و بازتولید شده است. البته به سهولت و به طور قطعی نمی‌توان بین این دو نظریه مرزبندی قائل شد و تبیین و توضیح جنگ تحمیلی را صد در صد در تئوری‌های خرد و کلان‌دستگاه‌های نظری دیگری جست‌وجو کرد. به هر حال از یک سو جنگ به معنای اعمال قدرت از راه زور، پس از به بن بست رسیدن سیاست است که به عنوان یک روش برای تأمین اهداف و منافع سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد و برآیند حاصل از جنبش اجتماعی است که پس از انقلاب صورت‌بندی جدیدی از قدرت ارائه می‌دهد.

اما از سوی دیگر **همان‌طور که پیتز می‌یر معتقد است کلاوزویتس تحول مناسبات اجتماعی را در دگرگونی جنگ از تکامل سلاح و نظایر آن مؤثرتر می‌داند و نیز مایکل هاوارد نظر کلاوزویتس را این‌گونه توضیح می‌دهد: "جنگ یک ابزار سیاسی و سیاست محصول تعیین عوامل بنیادی اجتماعی است". می‌توان پذیرفت هر تغییری در وضعیت سیاسی - اجتماعی، مستقیم و غیرمستقیم بر سیاست و در نتیجه بر اهداف سیاسی جنگ تأثیر می‌گذارد.** (۲۳) محتمل است این دو نظریه فصل مشترک زیادی با هم پیدا کنند و در روند تحلیل جنگ ایران و عراق در پاره‌ای از موضوعات اساسی هم‌پوشانی داشته باشند. به منظور تفهیم و ادراک

بیشتر و تا حدودی تعیین نقاط مخالف و موافق این دو نظریه، به جاست تأثیرات هر کدام را در روش تحلیل جنگ ایران و عراق مورد ارزیابی قرار داد. مطابق با این نظریه دوره بندی جنگ تفاوت پیدا می کند، تحولات و رخدادهای هشت سال دفاع مقدس رقم می خورد و دچار نوسان و یابتاب و تغییر می گردد.

فی المثل ماجرای مک فارلین، سلسله تهاجمات وسیع عراق، قطع نامه ۵۹۸ و پذیرش آن که تأثیرات این نظریه بر آنها مستولی است فصل جداگانه ای را در روند تحولات ایجاد می کنند و در تمام این مراحل به نظر می رسد تصمیم گیری های حضرت امام (ره) عمدتاً بر پایه و در چارچوب ارزش های انقلاب اسلامی متمرکز است و مصالح و مسائل مربوط به موجودیت نظام جزو ارزش های ثانوی بسیار مهم و در اولویت بعدی آن است. دلایل مخالفت حضرت امام (ره) با مسئله مک فارلین را در همین چارچوب می توان ارزیابی کرد. در مراحل بعدی نیز ایشان در همین راستا اقدام می کنند تا جاییکه در جریان تهاجمات وسیع عراق وقتی موجودیت نظام مورد مخاطره قرار می گیرد تحت تأثیر فعل و انفعالات داخلی و خارجی در تصمیم گیری های ایشان، نظام بر انقلاب مرجح می گردد. (۲۴)

ایشان به تصور عدول از ارزش های انقلاب اسلامی (جنگ عاشورایی: تا آخرین خانه، آخرین نفر و آخرین قطره خون) است که تصمیم بر قبولی قطع نامه ۵۹۸ را به نوشیدن جام زهر تشبیه فرمودند*.

جنگ ایران و عراق با تأکید بر نظریه به هم پیوستگی جنگ و سیاست قابل بررسی نیست به این معناست که بر اساس این نظریه اساساً بایستی جنگ در همان بدو شروع با توجه به اصل چانه زنی در سیاست و کسب منافع زودگذر و ناپایدار سیاستی پایان می پذیرفت. تحولات و رفتارهای بعدی رژیم صدام حسین نیز بیان گر این بود که هدف جبهه متحد بین الملل علیه جمهوری اسلامی ایران ساقط کردن انقلاب اسلامی و ایجاد وقفه در حرکت فرامرزی آن بوده است. بنابراین، نظریه کلاوزویتس حتی اگر تئوری های دیگری به آن مدد رسانند، به سختی و دشواری قادر به مطالعه و سنجش متغیرهای جنگ ایران و عراق خواهد بود. البته یادآور

می شود شاید از رهگذر روش های جدید تحقیقاتی از جمله روش های هرمنوتیکی - تفهیمی - و به ویژه روش تحلیل گفتمان و ... بتوان ابعادی از این موضوع را به دست تحقیق و پژوهش سپرده و آن را واکاوی کرد.

مفروض تحقیق

بر اساس تأکید بر نظریه به هم پیوستگی جنگ و انقلاب، عمدتاً مفروض مطالعه حول و حوش این معنا استوار می گردد که جنگ برای ساقط کردن انقلاب اسلامی به ایران تحمیل شد و اگر جامعه، جامعه بعد از انقلاب نبود بسیج و دفاع مردمی در ابعاد وسیع و گسترده اتفاق نمی افتاد و بخش وسیعی از جامعه که در دفاع مشارکت داشت اگر انقلاب اسلامی رخ نداده بود وارد جنگ نمی شدند. در واقع همان پتانسیلی که برای تحقیق آرمان هایی مثل عدالت خواهی، استقلال، آزادی و شهادت در جامعه انقلابی وجود داشت در جنگ به گونه ای دیگر مطرح و تخلیه شد.

عناصر، مفاهیم و متغیرهایی که موتور تحول جنگ به حساب می آیند و منجر به مقاومت هشت ساله مردم شدند جملگی از درون نظریه به هم پیوستگی جنگ و انقلاب احصا می شوند. در این معنا **«این انقلاب اسلامی است که هشت سال طول کشیده است به جهت اینکه ما انقلاب مان را در جنگ به جهان صادر کردیم»** ... **«جنگ ما فتح فلسطین را به دنبال داشت»** جنگ ما جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنی و جنگ ایمان و رذالت بود ... (فرازهایی از فرمایشات حضرت امام در پایان جنگ) (۲۵)

روش مطالعه و بررسی موضوع

این مطالعه به روش تحلیلی و از طریق گردآوری اطلاعات مورد نیاز آن با مطالعه کتابخانه ای، مصاحبه و مشاهدات تجربی صورت می گیرد.

مشاهده مهم ترین رکن این روش محسوب می شود و شامل آن دسته از یافته های تجربی و تحلیلی های ذهنی محقق است که در زمان وقوع حوادث به وجود آمده و هنوز نویسنده متأثر از آن مشاهدات و تجربیات مستقیم و غیرمستقیم زمان جنگ به طرح سئوالات، مفروضات و تجزیه و تحلیل موضوع تحقیق می پردازد. مشاهده

* دو نکته لازم به ذکر است: ۱. به لحاظ اینکه هدف از طرح مباحث فوق دست یابی به اصول و روش شناسی مطالعه تاریخ جنگ است لذا از توضیح علل و منشاء آغاز جنگ صرف نظر شده است و فرض بر این است که خواننده شاید از مواضع نویسنده آگاه و به ویژه در این مورد با وی موافق است که به تعبیر مرحوم شهید مرتضی آوینی شروع جنگ را بایستی در چارچوب قدرت طلبی صدام و سایقه دشمنی او با انقلاب اسلامی دانست و متقابلاً دفاع ما را بر اساس پیروی از عزت ممثل یعنی امام خمینی (ره) تعریف کرد. ۲. ارجحیت نظام به انقلاب در پایان جنگ به معنای ختم انقلاب نیست و همان گونه که پذیرش قطع نامه و در نتیجه نجات کشور و تحکیم نظام، سند شهادت، صداقت و درستی رفتار حضرت امام (ره) است همچنین از طرف دیگر حضور در میدان جنگ و صحنه های انقلاب توسط خیل وسیع مردم پس از پذیرش قطع نامه به معنای میرایی انقلاب نیست و این مقطع کوتاه حوادث جنگ بعد از پذیرش قطع نامه را می توان با توسل به همان نظریه و چارچوب انقلاب بررسی و تحلیل کرد.

غیرمستقیم در یادداشت‌ها و گزارش‌های راویان زمان جنگ منعکس است که با حداکثر تلاش هر نوع اقدام، تصمیم و وقایع اتفاقیه را بدون کم و کاست و بزرگ‌نمایی ثبت و ضبط نموده‌اند.

در مورد چگونگی و اهمیت مشاهده در کتاب چهارم روز شمار جنگ، صفحه ۵۹۸ چنین آمده است:

راویان مشاهده‌گرانی هستند که با تداوم حضور در جبهه‌ها دقیقاً همراه با جریانات جنگ حرکت کرده و قدرت دریافت خود را در مشاهدات بالا می‌برند. آنچه راویان تاریخ جنگ گردآوری می‌کنند، در کنار اسناد و مصاحبه‌های مربوطه مجموعه‌ای غنی را برای تاریخ جنگ تشکیل می‌دهد و در کنار آن و مهم‌تر از آن این موضوع باید مورد توجه قرار گیرد که راوی به تدریج جزء مطلعین و صاحب‌نظران جنگ قرار گرفته، آنچه را به عنوان مجموعه مشاهدات گزارش می‌کند، خود از اسناد با ارزش تاریخی خواهد بود.

در باره مزایا و معایب مشاهده چنین آمده است:

الف - به دلیل حضور مستقیم راوی در صحنه، وقایع برای وی ملموس بوده و - با تکمیل کار با روش‌های دیگر - می‌تواند روح مطلب را خیلی خوب ارائه کند.

ب - اطلاعاتی که از طریق مشاهده محقق به دست می‌آید به دلیل آنکه هیچ واسطه‌ای در کار نیست، درجه دقت و اعتماد بالاتری دارد.

ج - به دلایل متعدد کتمان‌هایی وجود دارد که گاه مانع کشف حقیقت است و باروش‌های دیگر - پرس‌شنامه، مصاحبه و... - قابل پیگیری و کشف نیست و حضور مشاهده‌گر در صحنه، خود به خود بسیاری از این موارد را مرتفع خواهد کرد. بسیاری از موارد نیز وجود دارند که گردآوری آنها به جز با مشاهده و حضور مستقیم راوی امکان‌پذیر نیست و دیگران - حتی در صورتی که کتمانی نیز در کار نباشد - قادر به انتقال آن به محقق از طریق مصاحبه یا پرسش‌نامه نخواهند بود.

د - در مشاهده‌نیازی به فراهم آوردن موجبات تحقیق - چنان که در روش‌های مصاحبه و پرسش‌نامه لازم است - از افراد نیست و همین سهولت و سرعت کار را زیاد می‌کند، زیرا سوژه خواه ناخواه

این مرکز در این دوره به عنوان پرچم‌دار تحقیقات بنیادی، عمیق و جدی در میان اهل فکر و اندیشه ظهور یافت و هم‌اکنون نیز تلاش می‌کند با عنایت به شناخت ضعف‌ها و اشکالات روشی آثار گذشته خود، نسبت به جبران و به حداقل رساندن آنها در آثار جدید اقدام نماید و به طور خاص با بهره‌گیری از روش بررسی‌های تحلیلی همچنان بدون شعارزدگی و سطحی‌نگری به پرسش‌ها و نیازهای موردی و موضوعی در حوزه پژوهش‌های دفاع مقدس پاسخ درخور و شایسته یک مؤسسه تحقیقاتی بدهد

زیر نظر راوی است و چه بخواید و چه نخواهد، به رفتار مربوطه خواهد پرداخت.

نقایص زیر باعث می‌شود که راوی علاوه بر حضور مستقیم در صحنه و برخورد ملموس با حوادث، احتیاج به مصاحبه، جمع‌آوری اسناد و... داشته باشد:

الف - مشاهده‌گر قادر به حضور در برخی صحنه‌ها نیست، مثلاً در شب عملیات مشاهده‌گر نمی‌تواند و اجازه ندارد در صف خط‌شکنان و اولین موج حمله حضور داشته باشد. بنابراین مشاهدات آن شب بعداً از طریق مصاحبه یا پرسش‌نامه از کسانی که خود خط‌شکن بوده‌اند، گرفته خواهد شد که البته روح و جزئیات مستقیم را برای راوی ندارد.

ب - محیط دید و درک مشاهده‌کننده محدود است. بنابراین برای جمع‌بندی کامل به روش‌های دیگر نیاز است.

ج - وقوع هر حادثه قابل پیش‌بینی نیست که راوی بتواند قبلاً در صحنه حضور یابد.

د - تعداد و تنوع حوادث هم‌زمان، مانع حضور مستقیم محقق در همه آنهاست.

- حضور مستقیم در صحنه - هر چند با درصد‌های متفاوت - جو

خاصی را تحمیل می کند که به صرف حضور در صحنه، مسائل جمع آوری شده ابعاد لازم را نخواهد داشت.

و - نتایج مشاهده به هر حال شخصی است و صرف اکتفا به آن غلط است، چه بسا دو نفر با یک دستورالعمل، جمع بندی متفاوتی از یک موضوع ارائه کنند.

ز - در روش مشاهده، کمیات دقیقاً به دست نمی آید و صرفاً کیفیات قابل تحقیق است. مثلاً با حضور در اقامت گاه رزمندگان، نظم، روحیه، تیپ عمومی رزمندگان، تنوع سن و سال، حالات روحی، آمادگی و... را می توان دریافت، اما برای اینکه معلوم شود در این اقامت گاه چند گردان نیرو وجود دارد؟ چند تک ور، چند خدمه تانک و... حتماً باید آمار مربوطه را دریافت کرد. عدم دست یابی به کمیات به خصوص آمارهای مورد نیاز از مهم ترین نقایص روش مشاهده است. (۲۶)

مصاحبه رکن بعدی این تحقیق است که به صورت اکتشافی و به منظور تکمیل و پر کردن خلاءهای اطلاعاتی ناشی از ضعف های احتمالی موجود در مرحله مشاهده انجام می شود.

- دو سطح تحلیل سیاسی و نظامی در فرایند این مطالعه مورد

بر اساس تأکید بر نظریه به هم پیوستگی جنگ و انقلاب، عمدتاً مفروض مطالعه حول و حوش این معنا استوار می گردد که جنگ برای ساقط کردن انقلاب اسلامی به ایران تحمیل شد و اگر جامعه، جامعه بعد از انقلاب نبود بسیج و دفاع مردمی در ابعاد وسیع و گسترده اتفاق نمی افتاد و بخش وسیعی از جامعه که در دفاع مشارکت داشت اگر انقلاب اسلامی رخ نداده بود وارد جنگ نمی شدند. در واقع همان پتانسیلی که برای تحقق آرمان هایی مثل عدالت خواهی، استقلال، آزادی و شهادت در جامعه انقلابی وجود داشت در جنگ به گونه ای دیگر مطرح و تخلیه شد.

ملاحظه قرار می گیرند که سطح تحلیل تصمیم گیرندگان و نخبگان در مقاطع مختلف ملی، تصمیمات استراتژیک و برنامه ریزی های عملیاتی، سطوح فرعی آن را تشکیل می دهند.

در این روش سعی می شود به جای پرداختن به ذکر جزئیات فرایند تصمیم گیری تا اقدام نظامی به شرایط کلی حاکم بر تصمیم گیری ها و تأثیرات استراتژی های مختلف بر روند جنگ تأکید شود.

از این رو به کمک اسناد و منابع زمان جنگ و به خصوص از طریق استخراج و پالایش نظرات پس از جنگ نخبگان سیاسی - نظامی که یادر منابع آشکار و غیر آشکار جدید به ناگفته های مربوط به هشت سال جنگ اشاره داشته اند و یا در مصاحبه شفاهی و هدف مند رمزگشایی کرده و آنچه را تا کنون در سینه پنهان داشته بازگو نموده اند، به نوعی سیر کلی اهداف و نحوه تصمیم گیری های استراتژیک و پی آمدهای انجام آن بازخوانی شود. در این آثار تحقیقی بنابر شیوه بررسی های موضوعی، واحدها و "زیر عناوین" تشکیل دهنده ساختار مطالب الزاماً به هم مرتبط هستند و به لحاظ محتوا "زیر عناوین قبلی" در "زیر عناوین بعدی" تأثیر گذار و دخالت دارند از این نظر می توان گفت در این روش درست عکس روش روز شمار قید زمان و تقدم و تأخر روزهای واقعه در ساختار محتوا تأثیری ندارد و یا دخالت آن در حداقل ممکن است.

- رویکرد غالب در این روش از درون سه رویکرد زیر با تأکید بر رویکرد عملیاتی - تاریخی در قلمرو نظامی جنگ حاصل می گردد:

۱- رویکرد سیاسی - انتقادی در قلمرو سیاسی جنگ: در این رویکرد، نقد قدرت سیاسی با تمرکز بر مسائل سیاسی جنگ از جمله تعیین اهداف جنگ، به ویژه پس از فتح خرمشهر و مدیریت و تصمیم گیری هدف اصلی است. در این رویکرد، جنگ از سوی اپوزیسیون به منزله ابراز منازعات سیاسی است و به تناسب او جگیری منازعات، در روند تحولات سیاسی - اجتماعی، تشدید می شود. ماهیت و روش این رویکرد تمامی دستاوردهای جنگ را مخدوش و هویت آن را مصادره می کند، به همین دلیل، مخاطره آمیز است.

۲- رویکرد حماسی - ارزشی در قلمرو اجتماعی - فرهنگی

جنگ: در این رویکرد، انتقال مفاهیم و ارزش‌های دوره دفاع مقدس به عنوان الگوی رفتاری مناسبی برای مقابله با ناهنجاری‌های فرهنگی - ارزشی پس از جنگ هدف اصلی است. شکل‌گیری نظریه تهاجم فرهنگی در توضیح ماهیت تهاجم فرهنگی دشمن پس از جنگ و ضرورت مقابله با آن، رویکرد حماسی ارزشی را شکل داد و تقویت کرد. انتشار رمان، خاطره، داستان‌نویسی و بسیاری از برنامه‌های تبلیغاتی درباره جنگ، به ویژه رویکرد غالب در صدا و سیما از همین اهداف و ملاحظات متأثر است. این رویکرد به تدریج جنگ را به موضوع انتزاعی و فرازمان و فرامکانی تبدیل می‌کند و آن را از جایگاه رفیع میراث ملی تلقی شدن به سطح محدودتری تنزل می‌دهد. به همین دلیل با وجود به جا گذاشتن آثار معنوی، نمی‌تواند در درازمدت تداوم یابد و به تدریج مخاطبان آن محدود می‌شود.

۳. رویکرد عملیاتی - تاریخی در قلمروی نظامی جنگ: در این رویکرد، تجزیه و تحلیل عملیات‌های نظامی و توصیف و تحلیل سیاسی - نظامی از جنگ، همراه با روایت تاریخی - گزارشی از روند تحولات جنگ هدف اصلی است. سپاه ارتش بیشتر بدین رویکرد اهتمام کرده‌اند.

بررسی‌های عملیاتی در سطح تاکتیکی و با رویکرد گزارشی - تاریخی و با تمرکز بر مسائل سیاسی و نظامی، ویژگی بررسی‌های انجام شده در این قلمرو است.^۳ (۲۷)

با تأکید بر رویکردهای سه‌گانه مذکور سوگیری‌های (orientation) مختلفی در این روش مطالعاتی وجود دارد که بررسی موضوع تحقیق بر اساس هر یک از آن‌ها برون داد و نتایج متفاوتی در بردارد. این سوگیری‌ها مطابق آن چه در کارآگاه آموزشی توسط آقای محمد درودیان شرح داده شده به نحوی جمع بندی و ارائه می‌شود:

”سوگیری اول مبتنی بر گفتمان انتقادی و بر پایه تداوم و خاتمه جنگ مطرح است در این گفتمان دو نظریه بیشتر مطرح و مشهور شده‌اند که به آنها اصطلاحاً نظریه ۶+۲ و نظریه ۷+۱ گفته می‌شود. مرحله بندی جنگ بر مبنای نظریه اول از آغاز تجاوز دشمن تا فتح خرمشهر و بر مبنای نظریه دوم تا حذف بنی صدر از فرماندهی کل قواست.

طبق نظریه اول در مرحله دوم دیگر جنبه دفاع در برابر تجاوزگر مطرح نیست بلکه شش سال استمرار مقاومت ملت ایران به نبردی بر هزینه تعبیر می‌شود.

این نظریه بر اساس ماهیت جنگ مباحث خود را در ذیل دو عنوان تحلیل و مطرح می‌کند و سپس جنگ را مورد بررسی قرار می‌دهد: اول، ماهیت دفاعی - تهاجمی جنگ، دوم، فرصت‌های خاتمه دادن به جنگ.

در نظریه دوم ماهیت اولین سال جنگ از جنبه‌های مختلف با مرحله بعدی جنگ متفاوت است و این دوره را از ابعاد گوناگونی به نقد کشیده و با دوره بعد مقایسه می‌کند. از جمله: بر خلاف مرحله اول که جنگ در روز با دشمن صورت می‌گرفت در مرحله بعدی در شب به صفوف ارتش بعث یورش برده می‌شد.

- بر خلاف مرحله اول که جنگ صرفاً متکی به تجهیزات بود در مرحله بعدی طرح ریزی حملات عمدتاً متکی به نیروی انسانی بود. - در مرحله اول حملات خودی با هدف بیرون راندن دشمن صرفاً بر پایه عقلانیت ابزاری و در مرحله بعد مبنی بر دو پایه در هم آمیخته عقلانیت و ایمانیت طرح ریزی گردید.

- در مرحله اول رهبران مردمی صلح را به عنوان حداقل خواسته ولی صاحب منصبان سیاسی به عنوان حداکثر مطالبات مطرح می‌کردند. حضرت امام کف شرایط صلح را آتش بس به شرط تأمین مرزها و سقف آن را محکومیت متجاوز و اخذ غرامت می‌دانستند ولی سیاسیون صلح تحمیلی را به جای جنگ تحمیلی تجویز می‌کردند: آتش بس بدون قید و شرط.

- برخلاف مرحله اول که استراتژی نظامی و عملیات‌های گسترده خودی به شکست انجامید در مرحله دوم بسیاری از طرح‌های آزادسازی و حملات خودی به پیروزی منجر و پاره‌ای از آنها با عدم الفتح روبه‌رو شد.

- سیاست بازدارندگی در مرحله اول ده ماه کارنامه دولت موقت و ۱۸ ماه کارنامه بنی صدر (به عنوان رئیس دولت و فرمانده کل قوا) - به دلیل خوش بینی و استراتژی 'دادن زمین - گرفتن زمان - شکست خورد و به تثبیت دشمن منتج گردید، در حالی که در مرحله دوم به بیرون راندن دشمن از اکثر سرزمین‌های اشغالی منجر شد و

...

یکی از مهم ترین مباحث در این سوگیری های بیان مسئله و به ویژه طرح سئوالات اصلی و فرعی تحقیق می باشد. حتی طرفداران دو نظریه در نحوه عبارت پردازی و جمله بندی سؤال، همدیگر را به بهره برداری از حربه عملیات روانی متهم می کنند برای نمونه:

چرا بعد از فتح خرمشهر صلح نکردیم؟ (۶+۲)

چرا بعد از فتح خرمشهر آتش بس پذیرفته نشد؟ (۷+۱)

سوگیری دوم بررسی و تقسیم بندی مناطق مختلف جنگ بر اساس هدف و مخاطرات آن است. در این نظریه جنگ به سه دوره تقسیم می شود:

دوره اول را شروع جنگ به مثابه تهدید انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی و واکنش عمومی و همه جانبه مردم در برابر اهدافی که دشمن یعنی دنبال می کرد، شکل داد.

دوره دوم فتح خرمشهر است که جنگ به مثابه نقطه متعالی ارزش ها و ابزار انقلاب اسلامی معنای می شود.

دوره سوم آغاز تهاجمات سراسری عراق و مخاطرات دوباره و تهدید انقلاب و نظام جمهوری اسلامی است که تا پایان عملیات مرصاد را پوشش می دهد.

در سوگیری سوم جنگ ایران و عراق از ترکیب اندیشه دفاعی، استراتژی نظامی و اقدامات نظامی و عمدتاً بر اساس مفاهیم و عملیات های نظامی، به صورت زیر دوره بندی می شود:

دوره اول: مقاومت شهری و همه جانبه است که طولانی ترین آن در خرمشهر به مدت ۳۴ روز یا به عبارتی ۴۴ روز به درازا کشید و کمترین آن مقاومت چهار تا پنج روزه در خطوط پدافندی ارتش است. ولی این خرمشهر است که مفهوم مقاومت و اندیشه دفاعی ما را در جنگ ارائه می دهد.

دوره دوم: شکست در هویزه به مثابه بن بست تفکر کلاسیک نظامی برای آزادسازی مناطق اشغالی است. تفکری که بعد از چهار عملیات بزرگ و ناموفق تنها راه ادامه نبردهای زمینی را در عملیات های ایذایی جست و جوی کرد.

دوره سوم: آغاز تحولی استراتژیک با آزادسازی مناطق اشغالی است که زمینه های آن از عملیات امام مهدی (عج) در سوسنگرد

شروع می شود و آغاز اساسی آن عملیات ثامن الائمه (ع) می باشد.

دوره چهارم: تعقیب و تنبیه متجاوز.

دوره پنجم: عملیات های سراسری عراق و پایان جنگ می باشد.

اساس سوگیری چهارم صرفاً بر تحولات سیاسی - نظامی جنگ ایران و عراق استوار است به طوری که در این چارچوب عمدتاً تحولات نظامی و نسبت آن با تحولات سیاسی و روندهای موجود بررسی می شود. مطابق این سوگیری می توان جنگ را بر اساس سال شمسی دوره بندی کرد و یا به صورت زیر تقسیم بندی نمود:

دوره اول: جنگ قبل از جنگ اصلی است که بنا به تعبیر دکتر محسن رضایی دوره ای است که به دلیل وقوع جنگ و وسیع تر بعدی، مورد غفلت واقع شده است و به آن دوره بحرانی نیز می گویند.

دوره دوم: شروع جنگ.

دوره سوم: آزادسازی مناطق اشغالی.

دوره چهارم: تحت عنوان طرح موازنه از عملیات رمضان تا عملیات فاو.

دوره پنجم: تهاجمات عراق.

دوره ششم پذیرش قطع نامه. (۲۸)

ج - روش شناسی مطالعه در قالب گزارش مستند

طرح مسئله

تشریح و بازگویی جزئیات رفتار و عملکرد رزمندگان و گروه های عمل کننده در صحنه مستقیم جنگ از بدو تصمیم تا اقدام، مستلزم استخراج و بهره گیری از چشم اندازها و جلوه های ویژه مترتب بر هشت سال دفاع مقدس، وقایع تلخ و شیرین آن دوران و ذکر حوادث و حواشی مربوط به تعاملات بین رزمندگان و فرماندهان در هنگام نبرد می باشد. نگاه از این دریچه و تشریح آن در آستانه، حین و پس از عملیات به وقایع نگاران، مستندسازان، پژوهشگران مطالعات ابعادی (مردم شناسی، روان شناسی، جامعه شناسی) نویسندگان ادبیات داستانی، سناریو نویسان و فیلم سازان کمک می کند تا به طور واقعی و عینی تر گذشته جنگ ایران و عراق را مجسم و تصور کنند و منتقل سازند. اگر در این مسیر کوچک ترین اغراق، گزافه، بزرگ نمایی و تحریفی صورت بگیرد

شاکله فرهنگ دفاع مقدس، فرهنگ بسیج و فرهنگ جانبازی کج و معوج خواهد شد. در خوش بینانه ترین حالت می توان گفت که شعر، طنز و خاطره کل فرهنگ مقاومت هشت ساله را پر می کنند. بدیهی است که این ابزارها به سختی می توانند ماهیت، ترکیب و بافت نیروهای عمل کننده و نقش تعیین کننده انگیزه، اعتقاد و عزم آنها را توصیف کنند.

اهداف و سؤالات تحقیق

اگر جنگ ایران و عراق از ویژگی های منحصر به فردی برخوردار است، وجوه ممیزه آن چیست؟ آیا سرخط ها و نقاط برجسته ای که در متن و بطن رفتار رزمندگان اسلام وجود داشته است قابل استخراج و ارائه شدن هستند؟ گزارش راویان و ناظرانی که هم پای نیروهای عمل کننده به ثبت و ضبط نحوه عمل رزمندگان پرداخته اند در کنار اسناد و مدارک زنده ای که کم و کیف اقدامات مزبور را گواهی می کنند، تا حدودی می توانند واقعیت های جنگ را آشکار و بازگو کنند. در صورت شناخت این واقعیات و کالبدشکافی ابعاد، انگیزه ها و نحوه عمل نیروهای مردمی - که ۷۰٪ ترکیب جمعیتی جبهه های خودی را تشکیل می دادند - خصوصیات جامعه ایرانی در شرایط بحرانی، زمان جنگ و تجاوز نظامی مشخص می گردد و نقش و تأثیر گذاری اقشار مختلف روستایی، شهری، گروه های سنی، جنسی، کسبه، کارگر، کشاورز، دانش آموز، دانشجوی، روحانی و طبقات گوناگون در پیشبرد جنگ بیش تر نمایان می گردد. این تحقیقات به نویسندگان، هنرمندان و پژوهش گران علوم اجتماعی کمک می کند چنانچه در این برهه تاریخی حضور و مشارکت نداشته اند از این طریق، واقعیت های عینی جنگ را درک کنند و ضمن تقویت خودباوری فرهنگی در بین افراد جامعه، بیگانگان را نیز با این مشخصات و خصوصیات آشنا کنند. یکی از اهداف مهم ولی مغفول مانده در تاریخ نگاری جنگ، پرداختن به روحیه حماسی و شگفتی هایی است که رده های متوسط و پایین رزمندگان اسلام خلق کردند و باعث شدند جنگی که طی چند قرن اخیر در ایران سابقه نداشته است به "دفاع مقدس" ملقب شود. این جلوه های ویژه هر چه از مستندات محکم و زنده برخوردار باشند و از تخیلات، انتزاعیات و تک گویی های

اغراق آمیز دوری گزینند زمینه را برای تبدیل آثار نوشتاری به آثار بصری تقویت می کنند. هر چه این آثار بیشتر تولید شوند و طیف وسیعی از اخبار، گزارش ها و اطلاعات حاوی غصه ها و قصه ها، پیروزی ها و شکست ها، تلخی ها و شیرینی ها در اختیار عموم گذاشته شود راه را بر خرافه گویی، تحریف و در نهایت خدشه دار شدن فرهنگ ناب مقاومت اسلامی مسدود می کند. به گواهی گنجینه اسناد و مدارک موجود در مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، تدوین واقعیت هایی که در بخش های میانی و پایین سازمان رزم خودی رخ داده است حقایق حماسی و "تراژیک" فراوانی را در اختیار مستندسازان جنگ قرار می دهد و فضایی را ایجاد می کند که آنها بدون خیال پردازی های وهن آلود و طرح مضامین و برداشت هایی دون شان رزمندگان و فرهنگ دفاع مقدس، نه فقط به وجوه مثبت جنگ پردازند بلکه در صورت تمایل و ضرورت های نوشتاری و ساختاری بتوانند به جنبه های منفی و خاکستری آن نیز اشاره کنند.

غواصی در لابه لای دریایی از مواد و فیش های موجود در این مرکز مطالعاتی به این پرسش نویسندگان ادبیات داستانی جنگ، کارگردانان، فیلم نامه نویسان، هنرمندان دفاع مقدس و کلیه افراد و گروه هایی که از منظر ارزشی، عاطفی و حماسی به این موضوع می نگرند پاسخ می دهد که:

فضای عمومی و حال و هوای رزمندگان - که ایفا کنندگان نقش اصلی در صحنه نبرد بوده اند - از زمان تصمیم سازی تا آماده سازی، هجوم به دشمن و دفاع از موفقیت های به دست آمده چگونه بوده است؟ رزمندگان تک و در ارتباط با هم قطاران و فرماندهان خود چه نوع تعامل، تعاون و توافقی داشتند و نظم و هم بستگی میان آنها چگونه بود؟ آرمان و معرفتی که بین آنها، اسلام - شیعه مبارز - رهبری پیوند می زد چگونه به ظهور فرهنگ عاشورایی تبدیل شد؟

ساز و کاری که بین رزمندگان خطوط مقدم و مردم کوچه و بازار - در شهر و روستا - تقسیم کار ایجاد کرد، چگونه بود؟ و سؤالاتی از این قبیل که علی الاصول تحقیقات پیشین صورت گرفته در مرکز مذکور در صدد رفع نیاز مستند سازان در این زمینه می باشد و آنها می توانند با تمام توان از این گنجینه بی نظیر استفاده نمایند. اگر چه این

مرکز ظاهر آبر حسب دستورات سازمانی اقدام به تولید دوران کرده است ولی به نظر می‌رسد وظیفه ذاتی آن تأمین محتوا و زمینه‌سازی برای تولید سوژه‌های مورد علاقه کارشناسان ادبیات و آثار تصویری می‌باشد.

مفروضات و مبانی نظری

در این روش علاوه بر مباحثی که در دو روش الف و ب تا حدودی توضیح داده شد دو نکته مورد تأکید است:

اول: مفروضات در این روش فقط حول و هوش سؤال "چگونه" رقم می‌خورد و اساساً به "چرا" نمی‌پردازد.

دوم: ضمن احترام به نقش کلیه مذاهب و تکریم حضور پیروان سایر ادیان در مقاومت هشت ساله ملت ایران، علاوه بر ملاحظات قبلی این مفروض نیز قابل ذکر است که:

در صحنه ایران در برابر هر گونه تهدید خارجی و تجاوز همسایگان مرزی، اتکای به فرهنگ و اندیشه اسلام علوی تعیین کننده است و ضریب مقاومت و بسیج مردمی را به شدت افزایش می‌دهد.

اگر چه اندیشه نظامی و انگیزه دفاع سابقه دیرینه‌ای در تاریخ ایران - حتی ایران قبل از اسلام - دارد اما جای هیچ گونه تردیدی نیست که آرمان‌های انقلاب اسلامی و نیز تجلی این آرمان‌ها در هشت سال دفاع مقدس مطلقاً تحت تأثیر فرهنگ و گفتمان عرفان مبارز و به تعبیر حضرت امام (ره) اسلام ناب محمدی (ص) بوده است. این فرض ناظر بر این است که چه بسا افرادی مسیحی و سنی که مطابق این گفتمان در اردوگاه خودی داوطلب شهادت بودند و نیز در جبهه مقابل، افرادی وجود داشتند که صرف نظر از دین آباء و اجدادی شان - مسیحی، شیعه، سنی و ... - تحت فرمان صدام و حزب کافر بعث به بلاد مسلمین حمله کرده و به مسلمانان دیگر تجاوز و غارت کردند و لذا طبق احکام اسلام، دفاع و جهاد دفاعی - به خصوص در جایی که موجب استیلای سیاسی، اقتصادی و ... آنها شده و باعث ضعف و سستی یک ملت و کشور اسلامی شود - واجب قلمداد می‌شود. از این نظر و با توجه به سایر ادله دینی دفاع هشت ساله که حضرت امام (ره) بیان فرموده‌اند - که تفصیل آن از بضاعت این قلم و حوصله این صفحات خارج است - ماهیتاً

جنگ، بین اسلام و کفر بوده است نه جنگ مذهب علیه مذهب. چه در شب زنده‌داری‌ها و چه در دلاورمردی‌ها، شهادت‌ها و سلحشوری‌ها و چه در مسیر رعایت حدود، تقوای الهی، انصاف و عدالت، رزمندگان مردمی متمسک به رویه‌ها، شیوه‌ها و اخلاق نظامی ای می‌شدند که جملگی منبعث از فرهنگ و گفتمان اسلام علوی بوده است. البته برخی در روزهای جنگ سعی داشتند این فرهنگ را صرفاً به نام گذاری‌ها و اسامی شب‌های عملیات محدود نمایند و حتی گاهی افراط می‌کردند و تعابیری به کار می‌بردند که محل وحدت و شائبه برانگیز بود. در این جا به جرأت باید گفت مقصود از نفوذ و تأثیر فرهنگ و گفتمان مذکور اصلاً با این مصادیق و رفتارها موافق نبوده است.

روش مطالعه

برخلاف دوروش قبلی که الف: توصیفی تحلیلی - مستند و ب: تحلیلی - مستند بود این روش توصیفی - مستند است. این شیوه تاریخ‌نگاری عمدتاً نقلی - روایی است تا تحلیلی - انتقادی و به ترتیب اهمیت از طریق مصاحبه و با استفاده از اسناد و مدارک اختصاصی اولیه و مشاهدات تجربی محقق و نویسنده انجام می‌شود.

مصاحبه پایه اصلی در این روش است که شامل مصاحبه‌های زمان جنگ با پدید آورندگان حوادث و عوامل تاریخ ساز و نیز مصاحبه‌های هدف مند با رآویان و مشاهده گرانی است که در زمان وقوع حوادث، خود در مقام محقق و مصاحبه گر فرصت نیافتند تا یافته‌های خود را به نگارش در بیاورند و یا در صورت تدوین گزارش‌های توصیفی، حوادث مهم و جلوه‌های ویژه بسیاری را - که آن زمان احیاناً از دید آنها جنبه تبلیغی و سطحی داشته است - از قلم انداخته‌اند.

در این روش، مصاحبه بیش از فنون دیگر تحقیق مثل مشاهده و پرسش نامه حائز اهمیت است و ارزش سندی بالاتری دارد، زیرا در زمان جنگ:

در مورد افراد بی‌سواد ولی مطلع و نیز کسانی که ذهن فعالی ندارند یا قادر به ارائه مطالب به صورت جامع و کامل نیستند، مصاحبه در مقایسه با دیگر روش‌ها کارایی بالاتری دارد.
- مطالب خیلی محرمانه غالباً از طریق پرسش نامه و کتبی به

دست نمی آید، حال آنکه در مصاحبه جو لازم برای ارائه مطالب فراهم می گردد. ضمن اینکه در پاره ای موارد به میل پاسخ گوی می توان از ضبط صوت نیز استفاده نکرده، مطالب مربوطه را بعد با تذکرات لازم یادداشت کرد یا اگر پاسخ گوراضی به انتقال مستقیم آن نباشد، حداقل در جمع بندی و در جهت دقت و غنای بیشتر تحلیل و گزارش از آن مطالب غیر مستقیم استفاده نمود.

-در سؤال کتبی وجود ابهام در سئوالات، باعث نقص در پاسخ می گردد، ولی در مصاحبه امکان توضیح و هدایت پاسخ گو به جواب های واقعی تر و دقیق تر وجود دارد. (۲۹)

در جریان مصاحبه های فوق - که گاهی قبل از عملیات و عموماً بعد از هر عملیاتی انجام می شد - محقق موظف بود

قبل از طرح سئوالات طی مقدمه ای کوتاه، معرفی مختصری از خود و مسئولیت خود به عمل آورد، طوری که فرد مزبور در خود احساس مسئولیت کند و بداند که همکاری کامل و صمیمانه وی غنای بیش تری به آنچه مطلوب رزمندگان است، خواهد داد و عدم همکاری وی چه بسا پاره ای از حقایق را برای همیشه در تاریخ مکتوم نگاه دارد. در صورت لزوم و به منظور توجه بیشتر، وظیفه مصاحبه گر است که با گزارش مختصری از نحوه تحقیق که در سطوح مختلف قرارگاه ها و یگان ها انجام می گیرد و اینکه تمامی مطالب مربوط به جنگ اعم از سری و غیر سری گردآوری می شود، به فرد مزبور اطمینان دهد که می تواند اعتماد کند و کلیه مطالب را بگوید و مطمئن باشد که مسئله صرفاً برای ثبت در تاریخ است نه برای کارهای تبلیغاتی مقطعی مرسوم.

مصاحبه گر باید بتواند هنگام مصاحبه احساسات و نظرات شخصی خود را کنترل کند و در عین اینکه صاحب نظر است و اشراف نسبی روی مسأله دارد، باید موضع یک فرد بی طرف را داشته باشد و صرفاً با اصالت دادن به کشف حقایق و گرفتن اطلاعات برخورد کند. البته مواردی نیز وجود دارد که با تکیه روی پاره ای نظرات و تحلیل ها می توان غنای بیش تری در مطالب مصاحبه شونده به وجود آورد. (۳۰)

در مورد اسناد و مدارک اختصاصی اولیه در ابتدای مقاله توضیحاتی داده شد لیکن تأکید می شود در روش مطالعه در قالب

گزارشات توصیفی - مستند عمده تکیه محقق و نویسنده بر آثار سری الف است که پیش تر در ابتدای این مقاله درج شد.

منابع:

- ۱- هادی نخعی، آشنایی با مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ضمیمه دوم کتاب دهم روز شمار جنگ ایران و عراق (هجوم سراسری)، مهدی انصاری - حسین یکتا، ناشر مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ دوم ۱۳۷۵، صص ۶۲-۶۱
- ۲- همان
- ۳- همان
- ۴- همان
- ۵- فرانک جمشیدی، آسیب شناسی تاریخ نگاری جنگ، فصل نامه نگین ایران، شماره ۱۳ صص ۶۴
- ۶- هادی نخعی، فصل نامه نگین ایران، شماره ۱۳، صص ۲۷
- ۷- محمد درودیان، فصل نامه نگین ایران شماره ۱۳ صص ۳۷
- ۸- علیرضا کمره ای، مأخذ ۷
- ۹- هادی نخعی، مأخذ ۷
- ۱۰- مأخذ ۱
- ۱۱- مأخذ ۱
- ۱۲- مأخذ ۱
- ۱۳- مأخذ ۱
- ۱۴- مأخذ ۱
- ۱۵- مأخذ ۱
- ۱۶- مأخذ ۱
- ۱۷- مأخذ ۱
- ۱۸- مأخذ ۱
- ۱۹- مأخذ ۱
- ۲۰- هادی نخعی - کارگاه آموزشی - تهران - ۸۴/۶/۳۴
- ۲۱- محمد درودیان، اجتناب ناپذیری جنگ - ناشر مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ اول ۱۳۸۱
- ۲۲- همان
- ۲۳- همان
- ۲۴- محمد درودیان - کارگاه آموزشی - تهران - اردیبهشت ۸۵
- ۲۵- همان
- ۲۶- هادی نخعی، جزوه دستور العمل آموزشی ویژه تحقیقات جاری، بخش جنگ دفتر سیاسی سپاه، چاپ ۱۳۶۳
- ۲۷- محمد درودیان، فصل نامه نگین ایران شماره ۹ صص ۶
- ۲۸- مأخذ ۲۵
- نقل به مضمون و اعمال اضافات و برداشته های نویسنده
- ۲۹- هادی نخعی، جزوه دستور العمل آموزشی ویژه تحقیقات جاری، بخش جنگ دفتر سیاسی سپاه، چاپ ۱۳۶۳
- ۳۰- همان